

In Search of Contextual Factors in the Architecture of Traditional Houses from the Qajar and Pahlavi Eras in the Historical Fabric of Khorramabad (Toward Enhancing Contemporary Residential Architecture in Khorramabad)

Rasoul Valipoor¹

Mahdi Sharifi²

Seyed Mahmoode Moeini³

Abstract: The historical urban fabric contains a valuable repository of architectural heritage that, through a renewed perspective, allows for the revival and recognition of key elements - such as contextualism - in order to reintegrate traditional architectural components with contemporary design.

This study adopts a descriptive-analytical method, utilizing both library research and field studies for data collection. The main objective of this paper is to identify the most significant contextual factors in the architectural identity of Khorramabad and to investigate their design components in order to inform the creation of residential spaces aligned with contemporary living patterns. The core research question is: *How can the cultural and architectural characteristics of Khorramabad, and the contextual influences that have historically shaped its housing architecture, guide the revival and development of desirable indicators for contemporary residential architecture in this city?* The findings indicate that the primary distinguishing features of Khorramabad's historic houses include: A strong spatial connection with nature, Semi-introverted building plans, Facades harmonized with adjacent structures, And a deep cultural respect reflected through domestic rituals and ceremonies. These characteristics have not been consistently carried over into contemporary housing. Changes in housing patterns have weakened the role of courtyards, reducing natural connectivity. The lack of attention to private domains and family boundaries has diminished the importance of spatial organization in modern floor plans. Facade harmony with surrounding buildings has undergone irreversible changes. While domestic rituals are still practiced, they require designated spaces in contemporary architectural frameworks to preserve their qualitative value.

Keywords: Contextualism, Khorramabad, House, Architecture, Culture

1. Department of Architecture, Bo.c., Islamic Azad University, Borujerd, Iran.

rasoul.valipoor@iau.ac.ir

2. Department of Architecture, Khor.C., Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. (Corresponding author)

Mahdi.sharifi@iau.ac.ir

3. Department of Architecture, Mal.c., Islamic Azad University, Malayer, Iran

mmoeini.arch@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

در جستجوی عوامل زمینه‌گرای معماری خانه‌های بافت سنتی دوران قاجار و پهلوی شهر خرم‌آباد (جهت بهبود معماری خانه‌های معاصر شهر خرم‌آباد)

رسول ولی‌پور^۱

مهدی شریفی^۲

سید محمود معینی^۳

چکیده

بافت‌های کهن، دارای گنجینه ارزشمندی هستند که می‌توان با نگرشی نو به احیا و شناخت عوامل مهمی از جمله زمینه‌گرایی در آنها پرداخت و نهایتاً به بازنشاندن مؤلفه‌های معماری گذشته و تلفیق آنها با معماری معاصر دست یافت. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که برای گردآوری اطلاعات از روش‌های داده‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده شده است. هدف این نوشتار، دست یافتن به مهم‌ترین عوامل زمینه‌گرایی معماری شهر خرم‌آباد و پرداختن به مؤلفه‌های طراحی معماری آنها و ارائه فضاهایی در تطبیق با کالبد زندگی در خانه‌های امروزی است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که، چگونه می‌توان با توجه به ویژگی‌های معماری و فرهنگی شهر خرم‌آباد و تأثیرات زمینه‌ای آن که در ساخت خانه‌های این شهر تأثیر گذاشته است به بازآفرینی و شناخت ویژگی‌های این شهر در جهت ارائه شاخص‌های مطلوب در معماری خانه‌های معاصر شهر خرم‌آباد پرداخت. نتایج نشانگر آن است اصلی‌ترین وجه تمایز خانه‌های تاریخی خرم‌آباد، ارتباط درون فضا با طبیعت، پلان نیمه برون‌گرای ساختمان‌ها، بدنه‌های همخوان با بناهای مجاور، تکریم فرهنگ به واسطه انجام آیین‌ها و مراسمات در خانه است. این ویژگی‌ها در خانه‌های معاصر به‌طور یکسان تداوم نیافته است. به‌واسطه تغییر الگوی مسکن و کاهش نقش حیاط، ارتباط با طبیعت دستخوش تغییر شده است. به‌واسطه عدم توجه به عرصه‌های خصوصی و حریم خانواده‌ها در خانه‌های امروزی، پلان ساختمان‌های امروزی اهمیت پیشین را ندارند؛ در مورد ویژگی بدنه‌های همخوان با بناهای مجاور، تغییرات غیرقابل برگشتی رخ داده است و در مورد برگزاری آیین‌ها و مراسمات در خانه، از نظر کمی همچنان برقرار است اما از نظر کیفی نیازمند تعریف فضاهای مختص به این آیین‌ها در کالبد فضاهای معاصر است.

کلیدواژه‌ها: زمینه‌گرایی، خرم‌آباد، خانه، معماری، فرهنگ

rasoul.valipoor@iau.ac.ir

Mahdi.sharifi@iau.ac.ir

mmoeini.arch@iau.ac.ir

۱. گروه معماری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

۲. گروه معماری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).

۳. گروه معماری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.

مقدمه

معماری در بافت‌های با ارزش می‌تواند به ظرفیت‌هایی برای ترویج فرهنگ و تمدن تبدیل گردد، طراح با نگرستن به ارزش‌های بومی و زمینه می‌تواند به خلق اثری ماندگار و هم‌سازگار در بافت‌های شهری بپردازد. فرهنگ و هویت بومی یکی از این عوامل مهم در چگونگی شکل‌گیری فضاهای معماری به شمار می‌آید. به‌ویژه در نواحی لرستان این موضوع به صورت بارزی قابل درک است. البته گاهی برخی فرهنگ را حتی مهم‌تر از اقلیم عامل درجه اول بر می‌شمارند. فرهنگ را در یک تعریف بسیار کلی می‌توان مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها، سنت‌ها و الگوهای رفتاری و نیز دانش اطلاعات و ادبیات مکتوب و شفاهی جامعه دانست و آن را از تمدن که در این تعریف مجموعه‌ای از دستاوردهای جامعه است، متفاوت دانست هر جامعه‌ای دارای فرهنگ خاص خود است که شالوده معماری آن جامعه را پی‌ریزی می‌کند و معماری آن جامعه تصویر عینی آن فرهنگ است (المیرا بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵). معماری به‌رغم تفاوت‌های اقلیمی و سرزمینی که در شکل آن تأثیر فراوانی گذاشته، واجد یک ویژگی است که می‌توان آن را حال و هوا نامید. این ویژگی همان چیز است که به شما می‌گوید کجایی. این ویژگی که بخش ذاتی چیستی و کیستی محل می‌باشد، جایگاه معماری را در بیان هویت جامعه تا آنجا می‌رساند که «معماری به مثابه هویت» امروزه به‌عنوان یکی از استعاره‌های اصلی بحث هویت مطرح شده است (ابل کریس، ۱۳۷۸).

با توجه به ضرورت شناخت عوامل معماری بر اساس نیازهای انسان معاصر و گذشته و تلفیق آنها با یکدیگر می‌توان به این مهم اشاره نمود که دست یافتن به عوامل

مهمی از جمله زمینه‌گرایی معماری، به همانند دوره‌های پیشین و پرداختن به اصول و مؤلفه‌های طراحی معماری آن زمان و ارائه فضاهایی در تطبیق با کالبد زندگی معاصر و گذشته نیازمند توجه به زمینه و بستر طرح دارد. مسکن از مکان‌های حیاتی در معماری است و با شناخت حوزه طراحی هر منطقه به مجموعه‌ای از دریافت‌های بصری (از آداب و رسوم، معماری اقلیمی، بافت‌های با ارزش کهن و...) به طرحی از خانه با تلفیق معماری معاصر و ارائه فرصت‌های آینده‌نگری رسید (المیرا بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵). مفهوم خانه در سرزمین‌ها کم‌وبیش مشابه بوده؛ اما با کمی تأمل و با توجه به تنوع و گوناگونی ادراک شخصی از شیوه زندگی نیازها، خواسته‌ها و ارزش‌ها این گونه استنباط می‌شود که ارزیابی مردم از محیط‌های مسکونی متفاوت است، مثلاً باشلار بیان می‌کند که «آدمی پیش از افکنده شدن به جهان در گهواره خانه نهاده شده است» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۹: ۱۴۱). خانه ایرانی دنیای فرد ایرانی است (حائری، ۱۳۷۹: ۶۲). و همین‌طور «خانه نهادی است در راستای یک رشته مقاصد پیچیده و عملکرد آن به چیزی بیشتر از یک مفهوم مادی بوده است» (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۸۱) و معماری بومی که گاهی معماری بدون معمار نامیده شده است پر معناترین محصول دست انسان است که در گذر از جایی به جای دیگر، متناسب با شرایط محیطی و فرهنگ و هویت مردمان هر مکان متفاوت شده و در هر منطقه متناسب با ارزش‌ها ظاهر گشته است (المیرا بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵).

سؤال و فرضیه پژوهش

با توجه به آنچه گفته شد سؤال بنیادین این پژوهش این است که چگونه می‌توان با توجه به ویژگی‌های معماری

خانه‌های سنتی دوران قاجار و پهلوی شهر خرم‌آباد و تأثیرات زمینه‌ای، از جمله عوامل فرهنگی - اجتماعی، اقلیمی، تاریخی و کالبدی که در ساخت خانه‌های این مناطق تأثیر گذاشته است به بازآفرینی و شناخت ویژگی‌های این مناطق در جهت بهبود معماری آپارتمان‌های معاصر پرداخت؟ این مهم می‌تواند توسط فرم و معماری که به عنوان پل ارتباطی غنی بین گذشته و حال است به شکل دهی و پیدایش فضاهای معماری است پدید آید که نهایتاً با توجه به مؤلفه‌های زمینه‌گرایی راهکارها و فاکتورهایی برای بازشناخت خانه‌های منطقه لرنشین دست یافت. فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش عبارت‌اند:

- با توجه به معماری بومی خانه‌های شهر خرم‌آباد می‌توان توسط مؤلفه‌های زمینه‌گرایی، به بازتولید و احیای اصول و معیارهای خانه‌های شهر خرم‌آباد دست یافت.

- به نظر می‌رسد در دوره معاصر، ارائه معماری در طراحی مسکن‌های آپارتمانی مبتنی بر ارزش‌های زمینه‌گرایی مناطق لرنشین شهر خرم‌آباد امکان‌پذیر است.

خانه در گذر زمان

برای شناخت خانه در دوران معاصر، نه تنها باید مفهوم خانه را شناخت، بلکه باید تغییرات این مفهوم و دلایل این تغییرات را نیز بررسی نمود. نخست ضروری است که تمایز بین واژگان خانه و مسکن درک شود. در ادبیات تخصصی، «خانه» کارآمدترین کلمه ای است که در یک فرهنگ برای شناخت مفهوم زیست، استفاده می‌شود. «خانه» در فارسی با لغات متعددی از سرا و منزل، تا گور و وطن مترادف بوده است (لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۷ ذیل

واژه خانه)؛ این درحالی است که ارجاع واژه مسکن محدود به کالبد سکونت بوده است. در زبان انگلیسی نیز Home مفهومی وسیع‌تر از محل فیزیکی اقامت یعنی House است پس یکی از این دو، مکان است و دیگری بنا. از اینرو در این مقاله «مسکن» ساختار کالبدی و «خانه» به عنوان مجموع این ساختار کالبدی و معانی و مفاهیم وابسته به آن، استفاده می‌شود (Moore . 2000 :207).

تغییر در مفهوم خانه در معاصر

همان‌طور که ذکر شد، خانه مفهومی وابسته به زمان است. نه تنها کالبد آن در زمان دستخوش تغییر می‌شود؛ بلکه بعد معنایی آن که در بده بستان معنا بین ساکن و کالبد شکل می‌گیرد، خود امری پویا و آمیخته با زمان است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴). از سوی دیگر فضای خانگی، محصول روابط بین افراد، گروه‌ها و معماری خانه است (همان: ۲۹). لذا اگر بخواهیم به مفهوم خانه در گذر زمان بپردازیم، گریزی وجود ندارد که از دو وجه به موضوع نزدیک شویم؛ تغییرات معنایی (نگرش افراد) و کالبدی خانه.

الف. تغییر در نگرش به خانه

البته جستجو برای کشف تغییرات در فهم خانه به دلیل نزدیکی به تغییرات روزمره قدری پیچیده است. آنچه در مفهوم خانه در پی تحول روزگار سنتی به روزگار مدرن رخ داد، ناشی از تغییر در کل جامعه سنتی بود. جامعه‌ای که تا آن زمان شاهد تغییر در بستر ارزش‌ها و باورهای خود بود که این موضوع خود سبب پایایی جامعه می‌شد. ولی در تحول به روزگار مدرن، چنین رویه‌ای روی نداد و منجر به جریان‌هایی از جمله، تغییر در نگرش به زندگی، تغییر در ارزش‌ها، تغییر کیفیات به کمیات، ارتباطات فرهنگی،

همگی معرف کالبدی در گستره شهر بود که در گذشته یافت نمی‌شد (اوستروفسکی، ۱۳۷۸: ۹۳-۱۱۴). علاوه بر آن تغییرات به درون فضای مسکونی نیز ورود یافت. به مدد فناوری‌ها، دیوارها برداشته، نور به داخل فضاها آمد و باوجود سیستم‌های گرمایش جدید، فضا متفاوت از گذشته درک شد. از سویی به واسطه ارتباطات فرهنگی، الگوهای نوگرا در سراسر جهان پراکنده شد و به نوعی به مقابله با الگوهای بومی هر سرزمین برخاست (Cerad, 2006). به عبارت دیگر فضای خانگی و یکایک اجزایش در طول تاریخ معاصر به دلایل متعدد دستخوش تغییر شد که منجر به تغییر جدی کالبد خانه شده است (برایسون، ۱۴۰۰).

روش پژوهش

در این نوشتار سعی بر این است که در قالب توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی و موردی خانه‌های شهر خرم‌آباد الگوی منطقه سنتی، معیارها و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی، اقلیمی، تاریخی و کالبدی این گونه بناها که باعث تمایز آنها از بناهای معمول می‌شوند تأثیر استخراج نماییم.

رویه انجام پژوهش

به منظور شناخت ویژگی‌های خانه‌های تاریخی و قیاس آن با خانه‌های معاصر، چند گام ضروری به نظر می‌رسد. نخست شناخت شهر خرم‌آباد؛ دوم، شناخت و تحلیل عوامل زمینه‌گرایی معماری مسکن سنتی در شهر؛ و سوم، ارائه راهکارهایی برای بهبود معماری شهر خرم‌آباد. در بخش اول داده‌های مختلف از ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی

حضور رسانه، تکنرگرایی، سلطه اقتصادی و تغییر در تکنولوژی و فرآیند تولید شد (آقالطیفی، ۱۳۹۸: ۹۴-۱۰۳). این جریان‌ها نه تنها نگرش به خانه تغییر داد؛ بلکه آغازگر دگردیسی خانگی گردید (اسمیت، ۱۳۹۸).

البته اصلی‌ترین تحول در دوران مدرنیتیه، تغییر نگرش انسان به هستی بود ولی افزون بر آن، خانه نیز مانند دیگر پدیده‌های دوران مدرن یک کالا دیده شد، لذا مانند هر کالای دیگری، مطابق شرایط بازار و جامعه ارزیابی شد (Coolen, 2005: 4). همچنین همانطور که «خانواده هسته‌ای» کوچکتر، محدودتر و ساده‌تر از «خانواده گسترده» بود، «خانه مدرن» نیز کوچک‌تر و ساده‌تر و بدون رنگ و لعاب‌تر شد. کوچک بودن این خانه‌ها در برابر خانه‌های سنتی، نه به واسطه وسعت، که در برخی موارد این طور نیز بوده است - بلکه به واسطه جهان کوچک‌تری که می‌آفرید (فاضلی، ۱۳۷۸: ۴۰).

ب. تغییر در کالبد

همان‌طور که گفته شد، مدرنیتیه با داعیه گسست و انقطاع از گذشته و گرایش به نوآوری، در پی تغییر بود. افزون بر آن با حضور فناوری‌های جدید این امکان فراهم شد تا فضاهایی متفاوت از گذشته خلق شود. در دوران معاصر این تغییر از دو بعد بر مسکن مؤثر شد. نخست در ارتباط با شهر و به وجود آمدن فرم متفاوتی از محلات به صورت مجموعه‌های مسکونی در گستره شهرها؛ و دوم در داخل فضای مسکونی. شکل‌گیری باغ شهرها، «واحدهای همسایگی» (مانند پیشنهاد کلارنس پری)، «مجموعه‌های خوداتکا» (مانند واحدهای پیشنهادی لوکوربوزیه) و یا مجتمع‌های بلند مرتبه،

شهر از میان متون و مدارک گردآوری شد. در بخش دوم، سه نمونه از مسکن‌های تاریخی خرم‌آباد (که از میان ده‌ها نمونه به‌عنوان نماینده آن دسته‌ها گزینش شدند)، تجزیه و تحلیل گردید. بخش سوم که به راهکارهای بهبود معماری شهر خرم‌آباد، اختصاص دارد، از طریق مرور متون و منابع تحقیق و نتایج تجزیه و تحلیل فصل دوم به انجام رسید. بدین ترتیب در این سه فصل، ویژگی‌های خانه‌های تاریخی و معاصر شهر خرم‌آباد از یکسو و شیوه فرهنگ و هویت و زمینه‌گرایی آنها، استنتاج می‌شود.

مفاهیم نظری و کلیدی پژوهش

زمینه و زمینه‌گرایی

کانتکتست از یک واژه لاتین ریشه گرفته است که اشاره به ارتباط میان کلمات و انسجام میان آنها دارد و فعل آن *contexer* به معنای در هم بافتن و در هم تافتن است. بنابراین، کانتکتست در اصل به هم تافتن و مرتبط ساختن کلمه‌ها و جمله‌ها به منظور ساختن یک سخن یا گفته است. از این رو کانتکتست را اتصال و هم‌نشینی میان بناها می‌دانند. بنابراین، کانتکتستچوال به معنی زمینه‌گرا و کانتکتستچوالیزم به معنی زمینه‌گرایی استفاده می‌شود. در فرهنگ مصور هنرهای تجسمی در مقابل کلمه معماری زمینه‌گرا واژه معماری انضمامی را قرار داده، یعنی هر نوع یا بخشی از معماری که برای منظم شدن به ساختمان‌های مجاورش طرح‌افکنی می‌کند (مرزبان، ۱۳۸۹: ۷۸).

زمینه‌گرایی در معماری

هگل هر در آرتولد توین به رابطه میان انسان و محیطش اشاره می‌کند و اهمیت محیط طبیعی‌اش را باز شناخته‌اند، لکن توأمان بر توان‌مندی انسان به پاسخ‌گویی و شکل

دادن به جهان تأکید کرده‌اند. واضح است که انسان نه تنها طبیعت، بلکه خود، اجتماع و فرهنگ را نیز می‌سازد. یکی از اصول اساسی مارکسیسم این است که انسان به‌عنوان موجودی زیست‌شناختی بخشی از طبیعت است و مکان انسان ساخت فهم او از محیطش را نمایان کرده تکمیل می‌کند و نهادینه می‌سازد. طراح و معمار باید پیام زمینه و بستر طرح و متنی را درک کند و پس از آن با توجه به شرایط موجود طراحی کند. طراحی باید مبتنی بر نگرشی واقع‌بینانه بر اطلاعات محیط باشد و ساختمان باید با ساختگاه خود تعاملی درست و متوازن برقرار کند به گونه‌ای که آندو می‌گوید: معماری کشف بنایی است که سایت آن را می‌طلبد، در نظر او معماری و زمینه در تعاملی دو جانبه پایه‌گذاری معماری هستند. در معماری زمینه‌گرا، معماری نه تنها برای مکان شدن عمل می‌کند و نه برای فضا شدن بلکه به باز تولید نیروی محیطی و مکمل‌های متافیزیکی آن می‌پردازد. معماری زمینه‌گرا، معماری است که به خلق آثار مطلوب‌تر و متعالی‌تر در موازنه محیط منجر می‌شود. معماری که در عین حال که به گونه‌ای ضمنی به تمایز مکان نظر دارد به صراحت تداوم ارزش‌های کالبدی و غیر کالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است با این حال خلق ارزش‌های جدید را نفی نمی‌کند. رویکرد اصلی زمینه‌گرایی درک ارزش‌های زمینه و تداوم در آینده است (تولایی، ۱۳۸۰).

طراحی زمینه‌گرا

در طراحی زمینه‌گرا این انگاره پوچ‌گرایانه که «اگر اثری خارق‌العاده چه به لحاظ فرمی و چه ایده خلق نکنند، کاری بی ارزش انجام داده‌اند باید در همان ابتدای طراحی به دور انداخته شود و با نگاهی به اطراف مشخص

جدید به گفته کالن همان‌طور که هنری به نام معماری داریم چیزی هم به نام هنر ارتباط دارد که عبارت است از ترکیب کلیه عناصر سازنده محیط مانند بناها و درختان و طبیعت و آب و ترافیک و علائم و تبلیغات در شهر (المیرا بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵).

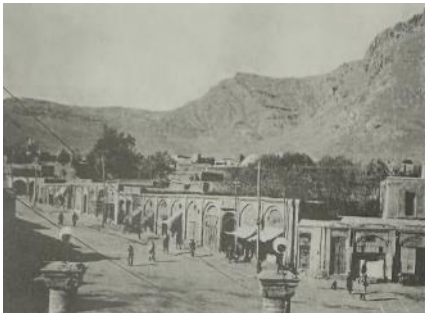
ارائه الگو بر اساس ابعاد زمینه‌گرایی

در ذهن انسان کنش و واکنش‌هایی برای ادامه حیات وجود دارد؛ الگوهایی که منافع‌هایی مانند تطابق و تغییر محیط را برای او فراهم می‌کند. این الگوها در هر مجموعه باید جزء به جزء آشکار و خوانا شود تا بتوان مکانیزم اساسی آنها را دریافت کرد. این الگوها در حقیقت یک خرد جمعی هستند که از طریق ائتلاف و اتحاد اکتشافات افراد مختلف به وجود آمده‌اند. پیشرفت هنگامی حاصل می‌شود که الگوهای موجود در یک زمینه با الگوهایی که در زمینه‌های دیگری قرار دارند، مرتبط شود. مسائل طراحی ساختار وسیعی دارند؛ با توجه به ساختار هر مسئله طراحی باید اطلاعات زیادی را جمع‌آوری کرد که از منابع متفاوتی به دست می‌آید. الگوهای بومی را می‌توان نوعی انتظام به شمار آورد که باید در قالب یک راه حل ارائه و دنبال شوند، امروزه هیچ نقشی در آموزش معماری و قوانین مربوط به ساخت و ساز نداشته و البته نیازمند تایید اعتبار نیز است. بنابر آن چه گفته شد؛ گونه‌بندی و تایید اعتبار و ارزش‌گذاری الگوهای بومی سنتی برای تعیین جنبه‌های مؤثرتر زمینه طرح در دستیابی به الگوهای کارآمدتر و ساده کردن روند طراحی تأثیری شایان توجه دارد (جدول ۱).

می‌شود که عمده‌ترین مشکل بصری شهرهای ما، انسجام و تداوم است. انسجام و تداوم زمانی از مکان‌های طراحی فاصله می‌گیرد که ویژگی‌های صفات هویتی مکان از عمق زمانی بسیار ناچیزی برخوردار می‌گردد. ما باید سبک زمان خود فراتر رفته و به سبک‌های مناسب برای زمینه‌های مختلف دست یابیم توجه به روحیه زمان از توجه به روحیه مکان اعتبار و اهمیت کمتری دارد. نگاه زمینه‌گرا نوعی انتخاب روشنفکرانه القاطی نیست که سبکی را بدون توجه به محیط پیرامون آن برگزینند بلکه نگاهی وابسته‌تر به ویژگی‌های بصری است تا در انتخاب به طراح کمک کند. تاریخ نشان داده است که سبک‌های مختلف معماری می‌توانند در کنار یکدیگر شکل گرفته و در عین حال هویت خاص زیبایی‌شناسی خود را نیز حفظ کنند. این امر تنها مستلزم ارزیابی آگاهانه و دقیق علائم بصری زمینه و وجود طراحانی است که از مهارت خلق ساختمان‌های سازگار و پاسخگو بهره جویند (برولین، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

ارزش‌های کالبدی فضایی بر آمیختگی متناسب توده و فضا و شکل بدنه فضاها محصورکننده برای ایجاد یک کل استوار است. در دیدگاهی جدید طراحان غربی نیز که در شرح و بسط این مفاهیم همانند گذشته پیشگام بوده‌اند. هم‌چنان بر دستیابی به کلیتی موزون تأکید می‌شود. لذا بحث ارزش‌های شکلی در طراحی از آنجا که به کل شهر یا قسمتی از شهر در مقابل جز یک اثر معماری نظر دارد با معماری متفاوت است. ممکن است بنا فی‌نفسه دارای ارزش معماری نباشد، اما با قرار گرفتن در مجموعه‌ای از چند بنا و همراه با سایر عناصر ارزش پیدا کند یعنی ارتباط و کنار هم قرارگیری و امتزاج در یک کل هماهنگ با ویژگی

جدول ۱: ارتباط بین شاخص‌های زمینه‌گرایی و شهر سنتی خرم‌آباد

عوامل زمینه برای معاصر سازی	ابعاد زمینه‌گرایی
	اجتماعی - فرهنگی انطباق معماری بناها با ارزش‌ها و باورهای جامعه (همبستگی اجتماعی بالا در فرهنگ مردم لر)
	اقتصادی خانه‌های کوچک در بافت فشرده شهر
	کالبدی ۱. انطباق و تناسبات مقیاس، سازماندهی فضاها، همجواری فضاها با یکدیگر، جهت‌گیری و فرم و کالبد بنا با محیط طبیعی و انسانی ۲. انطباق هندسه، جزئیات مصالح، بافت و رنگ آنها با محیط طبیعی و انسانی
	تاریخی ۱. شناخت اصول معماری گذشته هر منطقه و بهره‌گیری از اصول و قواعد طراحی و ساخت متناسب با محیط هر منطقه

		۲. معماری سنتی همچون قلعه فلک الافلاک	
		۱. باغ‌های اطراف شهر، جهت آفتاب و عوارض زمین عامل تعیین‌کننده در نحوه استقرار ۲. بافت متراکم و به هم متصل ۳. معابر باریک به موازات خط تراز زمین ۴. عبور رودخانه از مرکز شهر ۵. محاصره شهر میان دو کوه ۶. پایداری بوم‌شناختی و اجتماعی با احترام و توجه به منابع طبیعی و خفظ آن برای آیندگان همچون آفتاب و باد و استفاده از آنها برای بهبود بخشیدن به شرایط حرارتی فضای زیستی از دیرباز معمول بوده است.	اقلیمی

نگاهی گذرا به شهر خرم‌آباد

شهرستان خرم‌آباد به تقریب در مرکز جغرافیایی استان لرستان قرار گرفته است. این شهر در دره تنگی با عرض کم (بیشینه ۳۰ و کمینه ۱ کیلومتر) در شمال و دشتی نسبتاً فراخ در جنوب قرار گرفته است. دشت و دره تاریخی خرم‌آباد از نظر غنایی آثار تمدنی و تاریخی ده‌ها هزار ساله‌اش، شهرتی همه‌گیر و جهانی دارد. خرم‌آباد در میان کوه‌های اسبی کوه (سفیدکوه)، کمرسی (سیاه کمر)، یافته، مدبه و تاف محصور شده است. رودخانه گلال با جهت شمال به جنوب، از مرکز این دشت و دره می‌گذرد. در میانه شهر، رود دیگری به نام «کرگونه» با محوریت باختر به خاور، به «گلال» می‌پیوندد. افزون بر آن، چندین چشمه بزرگ (گردآو سنگی، گردآو دارایی، گلستان، شوا (شاه‌آباد)، اراز، کیو، در جای جای این شهر پر آب قرار گرفته‌اند (محمدی اصل، ۱۳۹۷: ۲۰۷). با یورش تیمور در سال ۷۸۸ ق، شابرخواست که دوران کم رونقی را می‌گذراند، به کلی ویران شد. در همین دوره است که نام شهر جدیدی به اسم «خرم‌آباد» بر سر زبان‌ها می‌افتد (محمدی اصل، ۱۳۹۷: ۵۳). دوران صفویه، عصر درخشانی در تاریخ معماری و شهرسازی خرم‌آباد محسوب می‌شود. ساخت بناهای جدید عام‌المنفعه در این دوره باعث رونق و آبادانی بیشتر شهر شد. نوسازی راه‌ها، کاروان‌سراها و چاپارخانه‌ها و بالاخره نوسازی و بازسازی شهرها از خصوصیات معماری و شهرسازی دوره صفوی است (نیلفروشان، ۱۳۸۶: ۱۰۰). در دوره محمدعلی میرزا دولتشاه- پسر ارشد فتحعلی شاه پادشاه قاجار، مجموعه کاخ و باغ گلستان و چندین بنای دیگر در مجموعه ارگ شهر (قلعه فلک‌الافلاک) احداث شد (راولینسون، ۱۳۳۲: ۱۳۸). از آثار مظفرالملک قاجار در شهر خرم‌آباد می‌توان به احداث سربازخانه، کاروان‌سرای بزرگی در مدخل شهر، بازسازی و

ترمیم دو چشمه طاق از مجموعه پل گپ اشاره کرد (خودگو، ۱۳۸۳: ۶۶). در فاصله زمانی بعد از فروپاشی دولت صفوی تا پایان دوره قاجار، تعداد محلات شهر به ۷ محله رسید. این محله‌ها عبارت‌اند از: درآغا (آستانه امام زاده زید ابن علی)، دریوتار (آستانه آرامگاه باباطاهر)، حکیم‌آباد، پاسنگر، پش بازار (پشت بازار)، در دلاکی (درب دلاکان)، باجگیرو (باجگیران) و محسنیه. پس از پایان حکومت قاجار و استقرار حکومت پهلوی، ارتش به صورت گسترده در شهر مستقر شد و اقدام به برخی ساخت و سازها (به‌طور عمده) در مجموعه ارگ و قلعه فلک‌الافلاک و برخی نقاط دیگر کرد (محمدی اصل، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

ویژگی‌های معماری شهر خرم‌آباد

نیمه برونگرایی

معماری لری نه به مانند مناطق کویری کاملاً «درونگرا»ست و نه چون نواحی شمالی ایرانی شکلی «برونگرا» دارد. در اینجا با وجود رعایت عرصه‌های خصوصی و حریم‌های خانوادگی، در خانه‌ها و سایر بناها قاعده «نیمه برونگرایی» مشاهده می‌شود (همان: ۱۴). کالبد معماری درونگرا یا برونگرا اگرچه در درجه اول به دلیل نیاز اقلیمی، درونگرا یا برونگرا شده است؛ اما می‌تواند به‌تدریج زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ رفتاری و اخلاقی و فضاهای زیستی شود. فضاهای زیستی در منطقه خانه‌های شهر خرم‌آباد، تحت تأثیر جنسیت که واجد خاستگاه‌های فرهنگی، محیطی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی آن منطقه است شکل گرفته؛ سیمایی که با برونگرایی اقلیمی همساز با اقلیم و فرهنگ نمایان شده است.

در خانه‌های خرم‌آباد، فضاهای وابسته به قلمروی خصوصی (برخلاف خانه‌های درونگرایی اردبیل) در اوقات مختلف روز می‌توانند با قلمروی عمومی ترکیب

جریان داشت؛ عامل مهمی در ایجاد الگوی همجواری ورودی با حیاط و حذف مفصل در بدو ورود به خانه است. همچنین صلح و آرامش و امنیت، اساسی‌ترین عناصری بودند که بافت اجتماعی و نظام دوستی را در بافت شهری خرم‌آباد به وجود آورده بودند (همانجا).

شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد معماری

زمینه را می‌توان شامل توپوگرافی محل وضعیت پوشش گیاهی بافت شهری شامل میزان تراکم بناها خیابان‌ها و پیاده‌روها و نسبت آنها با یکدیگر جنس مصالح ترکیب‌بندی مصالح، همجواری بناها با یکدیگر، جغرافیای منطقه میزان ترافیک شهری حضور حیوانات و موجودات زیستی دیگر میزان جمعیت انسانی و... دانست. البته نیازی نیست که تمام عناصر در یک زمینه موجود باشد بلکه بسته به هر سایت و زمینه ممکن است تعدادی از عناصر موجود باشد. جامع‌ترین نظریه که به برنامه‌ریزی سایت کمک کرده است باید برای هدایت طراحی خانه نیز به کار گرفته شود و به ساختمانی متعلق به دوران کشور و مکانی که در آن ساخته شد شباهت داشته باشد (ترنر، ۱۳۸۴: ۲۲۵). ابعاد زمینه‌گرایی به‌طور کلی شامل: ۱. زمینه کالبدی؛ ۲. زمینه تاریخی؛ ۳. زمینه اجتماعی فرهنگی و ۴. زمینه اقلیمی است (برولین، ۱۳۸۶: ۱-۲۳) نظریه معماری زمینه‌گرا مبتنی بر هر یک از راهکارها یا راهی میانه رضایت بخش است، مشروط به این که با مهارت انجام گیرد. در هر شرایطی اگر به جای سبک‌های تقلیدی و یا نوآوری‌های افراطی روابط بصری مستحکم و روشنی به وجود آمده باشد مایه آزرده‌گی بصری نخواهد بود (برولین، ۱۳۸۶: ۱). در واقع زمینه‌گرایی مبتنی بر این اصل است که هر پدیده به صورت مجزا و مجرد از پیرامون خود قابل تصور نیست و پدیده‌ها

یا تفکیک شوند؛ اتاق مهمان در خانه‌های خرم‌آباد هم پیوندی بالایی با سایر عرصه‌ها داشت؛ به‌طوری که اولین اتاق بعد از ورود به خانه، یا اتاقی در بالاخانه و یا حتی گاهی بخشی از اتاق خصوصی را به جایگاه مهمان اختصاص می‌دادند؛ سلسله مراتب دسترسی در خانه‌های قدیمی ایران به ترتیب عرصه عمومی (کوچه)، نیمه عمومی (حوزه ورودی) و خصوصی (حیاط) می‌باشد، اما میزان تفکیک هر یک از عرصه‌ها در اقلیم‌های مختلف، متفاوت است؛ در کارشیو خانه‌های خرم‌آباد، این سه ویژگی بسیار کم وجود دارد. در خانه‌های خرم‌آباد بین میزان استفاده از فضای سکونت و تنوع‌پذیری فضاها رابطه مستقیم وجود دارد (محمدزاده، ۱۴۰۲: ۶۹۶). زنان ساکن جنوب غربی ایران (زاگرس‌نشینان)، طبق رسوم و آیین پیشین در کارهای خارج از منزل فعالیت داشته‌اند؛ اموراتی مانند: دامپروری، شکار، اسب سواری، چوپانی و غیره. که بعدها این طبع برابری را به زنان معاصر هم انتقال داده و شاهد نمونه‌های برجسته‌ای از زنان شاخص خرم‌آباد هستیم که در جنگ‌ها و میادین مبارزه پای به پای مردان نقش داشته‌اند و این طرز فکر باعث شده که زنان این منطقه (خرم‌آباد) محدود و محصور نباشند. تبعیت از فرهنگ مردم منطقه سبب گشته تا خانه‌های سنتی از ابهام و پیچیدگی در چیدمان فضایی برخوردار نبوده و بسیاری از اتاق‌ها مشرف به حیاط و یا معبر بوده و بدون واسطه با آنها ارتباط داشته‌اند (محمدزاده، ۱۴۰۰: ۴۴). هویت در خانه‌های سنتی خرم‌آباد برون‌گرا بوده که مرزهای نامرئی فضاها و تداخل عرصه‌ها را در پی داشته است. هویت خرم‌آبادی حاکی بر ارتباطات همسایگی در قالب کار و معیشت که در بین خانواده‌های عوام

تنها در انحصار نیروها، جوهره و ویژگی‌های درونی خود نیستند بلکه به محیط و مجموعه پیرامون خود وابسته‌اند (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۹).

ارائه بر اساس الگوبرداری از معماری زمینه

توجه به مفهوم الگو و مفاهیم مرتبط با آن به این خاطر است که دغدغه ایجاد کیفیت مطلوب در فضای معماری

به‌عنوان یکی از اصل‌ترین اهداف معماران و پژوهشگران این عرصه، توجه آنان را به مفاهیم و شیوه‌هایی جلب کرده که اصل آنها با اتکا بر تجربیات بشری و هویتی دستاوردهای انسان با نسل‌های پیشین و پیش‌دانسته‌های انسان بنیان نهاده شده است (جدول ۲).

جدول ۲: عناصر زمینه‌گرایی در تلفیق با معماری در عصر حاضر در بافت‌های کهن

عوامل زمینه‌گرایی	معماری بافت‌های ارزشمند
کالبدی	شناخت عناصر معماری گذشته
اقلیمی	توجه تمهیدات اقلیمی گذشته
فرهنگی - اجتماعی	فرهنگ و حریم مردم مورد نظر در یافت
تاریخی	تاریخ هویت انسان است. طراحی در بعد زمان

درپس این واژه‌ها معناهای نهفته است که باید آن را شناخت و تفهیم کرد کشف معنی رویداد یا عملی در زمینه‌ای خاص واقعی است که از معنای خاص آن فرهنگ باشد، در نهایت تحلیل یک پدیده کالبدی زمانی میسر است که دریابیم در آن فرهنگ چه معنایی برای آن قائل‌اند. در مباحث زمینه‌گرایی

می‌توان چنین برداشت نمود که اصل نمودهای معماری زمینه‌گرا پیوند با هویت و فرهنگ انسانی است، در واقع مؤلفه‌های ساختار معماری می‌تواند اثر بر روی اصل انسانی بگذارد (گودرزی سروش، ۱۳۹۲: ۴۳) (نمودار ۱)



نمودار ۱: بررسی مؤلفه‌های زمینه‌گرا در نگاه کل نگر بین معماری سنتی و مدرن؛ ماخذ نگارندگان

است. بخش اصلی خانه (جبهه برآفتاؤ) در دو طبقه و دارای فضاهای مختلف چون (تالار، تَنبیه، سه دری، پنج دری، ...) است. ورگه (تورفتگی) نسبتاً بزرگ هندسی جلوی این جبهه توانسته است ضمن گسترش سطح نورگیری فضاها، به تنوع حجمی و بصری خانه بیفزاید. بخش نثار خانه شامل چند اتاق مُدبه (مطبخ) راهرو، فضای سردر، دالان و هشتی زیبایی است. این جبهه در یک طبقه ساخته شده است. بخش خاوری این جبهه در دوره پهلوی و به سبک معماری آن دوره تجدید بنا شده؛ اما بخش باختری و مجموعه دالان و هشتی متعلق به روزگار قاجار است. جبهه باختری خانه به صورت طاق نما است. بر روی این طاق نما راهرویی قرار دارد که فضاهای بخش جبهه شمالی را به (فضای بام) مهتابی واقع در جبهه نثار (جنوبی) متصل می‌کند.

اصولاً در معماری شهر خرم‌آباد بخش رو به آفتاب خانه (برآفتاؤ) در دو طبقه و بخش پشت به آفتاب (جبهه نثار) در یک طبقه ساخته می‌شد. این امر باعث می‌شد جلوی تابش نور به میانسرا و جبهه شمالی در فصل سرد سال گرفته نشود و در روزهای گرم سال مانعی برای وزیدن نسیم و باد مطلوب به پیکره جبهه اصلی (شمالی) وجود نداشته باشد. این ویژگی به‌خوبی در خانه قاضی دیده می‌شود. از سایر ویژگی‌های معماری این بنا می‌توان به وجود آرایه‌های آجری، دندان موشی، گل گشیزی، خفته، راسته برجسته، خوانچه پوش سقف بخشی از اتاق-های طبقه همکف جبهه شمالی و هشتی زیبای بنا اشاره کرد. این خانه از اواسط روزگار قاجار متعلق به خانواده «قاضی خرم‌آبادی» بوده است. ایشان از اوایل دوره قاجار منصب قضاوت (قاضی القضاتی) در لرستان فیلی (شامل استان‌های لرستان، ایلام و کرمانشاه) داشته‌اند.

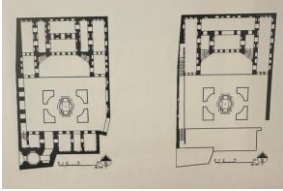
نهایتاً زمینه‌گرایی کالبدی می‌تواند زیر مجموعه‌ای از ویژگی‌های عمومی بنا یا بافت باشد و مداخله در زمینه تاریخی و سنتی باید مبتنی بر تحلیل و ارزیابی تاریخی برای شناخت عناصر مهم و سرانجام رابطه‌های درستی باشد که در بنا برقرار است. در واقع با در نظر گرفتن عوامل زمینه‌گرایی در معماری شهر خرم‌آباد می‌توان آنها را احیا نمود تا در جهت گسترش معماری زمینه نقش داشته و به یک معماری کالبدی متناسب با فرهنگ و هویت پیرامون منطقه رسید (جدول ۲). با شناخت عناصر معماری زمینه‌گرا در شهر خرم‌آباد به وسعت و چگونگی دریافت‌های محیطی از این کالبد پی برده و بدین ترتیب به بررسی سه نمونه از خانه‌های این بافت دوران قاجار و پهلوی خواهیم پرداخت تا برای جهت بهبود معماری خانه‌های معاصر به شناخت کاملی برسیم.

شناخت نمونه موردی

نمونه اول: خانه قاضی (آخوند ابوطالب)

قدمت بنا مربوط به دوره پهلوی نخست با مساحت: ۷۳۰ مترمربع است. وضعیت فعلی بنا به‌عنوان موزه مردم‌شناسی مورد بهره‌برداری قرار گرفته که در فهرست آثار تاریخی کشور ثبت شده و در اختیار عموم قرار گرفته است. موقعیت قرارگیری ساختمان در بافت تاریخی، محله دربوتار، گذر بوتار قرار دارد. از ویژگی‌های سازه‌ای می‌توان به پوشش سقف ترکیبی طاق و تیرپوش، دیوارها خشتی، آجری و سنگی اشاره کرد. ارزش‌های ویژه معماری خانه قاضی با محوریت شمالی-جنوبی در دو جبهه مسکونی با میانسرای در وسط و باغچه کوچکی در جبهه خاوری ساخته شده

جدول ۳. عناصر معماری و تزئینات خانه قاضی (آخوند ابوطالب) (منبع تصاویر: نگارندگان، ۱۴۰۳)

عناصر معماری	مشخصه‌ها	خانه قاضی (آخوند ابوطالب)	عناصر معماری	مشخصه‌ها	خانه قاضی (آخوند ابوطالب)
دری	* درب چوبی بزرگ * گره چینی‌های آجری در اطراف ورودی * شاخص شدن ورودی با تزئینات * قوس و نماد معماری بومی - ایرانی		نخ	* زیرزمین * تالار، تنبیه، سه دری، پنج دری * مدبه (مطبخ) * دالان، هشتی * مهمان‌خانه	
نوع دیوارها	* تو رفتگی نسبتاً بزرگ * هندسی جلو ساختمان که ضمن گسترش سطح نورگیری فضاها، به تنوع حجمی و بصری خانه کمک کرده است		کلی	* حیاط اصلی * حوض وسط حیاط	
تزیینات	* اندرونی * بیرونی * جبهه رو به آفتاب (برافتاو) * جبهه پشت به آفتاب (نثار)		تزیینات آجری	* دیوارهای مستحکم * پوشش سقف ترکیبی * طاق و تیرپوش‌ها * دیوارهای خشتی، آجری، سنگی	
تزیینات	* آرایه‌های آجری (دندان‌ه موشی، گل گشنیزی، خفته راسته) * خوانچه پوش سقف * شیشه‌های رنگی * تزئینات چوبی			 	



تصویر ۱. نمای جبهه اصلی و
بخشی از میانسرا
(منبع تصویر: نگارندگان، ۱۴۰۳)

جدول ۴: معیارهای طراحی خانه قاضی (آخوند ابوطالب) در تطبیق با معاصر سازی

معیارهای طراحی خانه قاضی (آخوند ابوطالب)	معاصر سازی معیارها
پلکان ورودی	همجواری ورودی با حیاط و حذف عنصر هشتی به دلیل روابط اجتماعی و نظام دوستی بین همسایگان
ارتباط بین فضاها	ارتباط مؤثر بین عرصه‌های عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی
مصالح بومی	استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا
تفکیک فضایی: اندرونی و بیرونی	ورودی مستقیم و بدون عنصر محرمیت به حیاط خانه‌ها
جهت‌گیری عمارت	طراحی با استفاده از رویکردهای اقلیمی منطقه از جمله ساختار بنایی فشرده، تورفتگی بزرگ هندسی جبهه شمالی جهت سطح نورگیری فضاها، تنوع حجمی و بصری خانه
زیبایی شناختی	ترکیبی از آرایه‌های آجری (خفته و راسته) و (زبان گنجشکی) در ترکیب با پنجره‌های چوبی و ارسی، نقوش و شیشه‌های رنگی

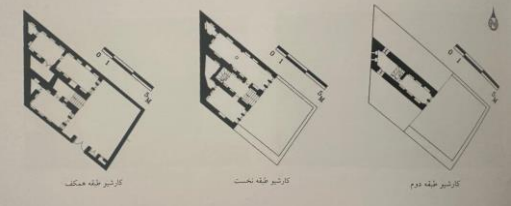
نمونه دوم: خانه سید عبدالله کشفی

قدمت بنا مربوط به دوره قاجار با مساحت: ۱۹۲ مترمربع است. وضعیت فعلی بنا، بصورت فضای اداری در فهرست آثار تاریخی کشور ثبت شده است. موقعیت قرارگیری بنا در بافت تاریخی، محله حکیم آباد، گذر بناری آقا محمود (خیابان ۲۴متری حکیم) قرار دارد. از ویژگی‌های سازه‌ای می‌توان به آسمانه ترکیبی (سقف طبقه همکف طاق سپس (گهواره‌ای) و طبقه اول و دوم تیرپوش چوبی، ساختمایه: خشت و آجر

اشاره کرد. ارزش‌های ویژه معماری این خانه کوچک در یک جبهه با محوریت شمال باختری جنوب خاوری در دو طبقه ساخته شده و در جبهه جنوب باختری به گذر متصل می‌شود. ابعاد ناهمگون زمین به خوبی در جبهه مسکونی با ترفندهای معمارانه پنهان شده است. در طبقه همکف مجموعه، پله ارتباطی و فضای زیرپله در مرکز و دو اتاق سه دری در دو طرف قرار گرفته‌اند. در طبقه نخست هم به تقریب این کار شیو تکرار شده است.

با این تفاوت که پله ارتباطی در انتهای فضا قرار گرفته و با یک حرکت چرخشی به فضای موسوم به بالاخانه در طبقه دوم می‌رسد. از سایر ویژگی‌های معماری این بنا می‌توان به استفاده از آرایه‌های گچبری با نقوش گل و برگ کنگری به شیوه معماری غربی، استفاده از آرایه‌های متداول آجری در خرم‌آباد، طاق تزئینی کلیل و عبور نهر مشهور گردآو از فضای زیر میانسرا اشاره کرد. این خانه متعلق به خاندان سادات کشفی و شخصی به نام آقاسیدعبدالله است.

جدول ۵: عناصر معماری و تزئینات خانه سید عبدالله کشفی (منبع تصاویر: نگارندگان، ۱۴۰۳)

عناصر معماری	مشخصه‌ها	خانه عبدالله کشفی	عناصر معماری	مشخصه‌ها	خانه عبدالله کشفی
ورودی	* درب چوبی * عدم وجود هشتی ورودی * تزئینات آجری سقف ورودی		پلان	* کارشیو متراکم و فشرده * سه دری، دودری 	
نمای درونی	* نمای پنجره اتاق‌های سه دری و دو دری رو به حیاط * نورگیری اتاق‌های پشت به پلکان طبقه اول از طریق ایجاد حفره‌هایی مابین پلکان		حیاط	* حیاط اصلی * عبور نهر مشهور گردآو از حیاط 	
سیکسکلون	* اندرونی * بیرونی		جزئیات اجرایی	* دیوارهای مستحکم * سقف طبقه همکف * طاق سیس (گهواره‌ای) و طبقه اول و دوم تیر پوش چوبی * ساختمایه خشت و آجر 	
تزئینات	* آرایه‌های گچ‌بری با نقوش گل و برگ گنگری به شیوه معماری غربی * آرایه‌های متداول آجری * شیشه‌های رنگی * تزئینات چوبی * طاق تزئینی کلیل	   			

تصویر ۲: نمای جبهه اصلی
(منبع تصویر: محمدی اصل، ۱۳۹۷، ۱۱۸)



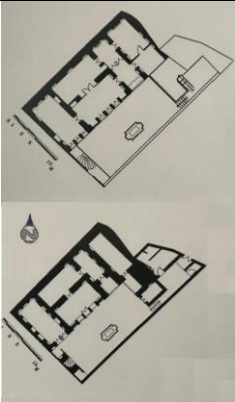
نمونه سوم: خانه سید محمود کشفی

قدمت بنا مربوط به دوره قاجاریه با مساحت: ۳۱۵ متر مربع است. وضعیت فعلی بنا در فهرست آثار تاریخی مرمت شده است.

موقعیت قرارگیری در بافت تاریخی، محله حکیم آباد، گذر معروف بناری آقا محمود (کوچه کشفی) قرار دارد. ویژگی‌های سازه‌ای به صورت سازه ترکیبی (آسمانه طاقی در طبقه همکف و تیر پوش چوبی در طبقه نخست) است. جبهه‌های مسکونی و خدماتی بنا در شمالی و باختری قرار گرفته‌اند. جبهه شمالی در یک طبقه بنا شده و شامل مجموعه ورودی و برخی فضاهای خدماتی به ترتیب ذیل است: پس از سردر ورودی بنا، هشتی چهارگوشه‌ای قرار گرفته است. این هشتی از جهات شمالی و باختری، به فضاهای آبریزگاه، انبار و از جهت محور جنوبی به میانسرای بنا مرتبط می‌شود. جبهه مسکونی بنا در دو اشکوب (طبقه)، و به گونه‌ای

پیوسته با جبهه شمالی قرار دارد. در طبقه همکف این بخش از خانه، اتاق پنج دری و اتاق پیوسته به آن (دماحونه) در مرکز قرار گرفته‌اند. در شمال این فضاها اتاق تنبیه، فضای ورودی و اتاق کوچک دیگری قرار دارد و در جنوب آن نیز یک فضای کشیده قرار گرفته است. در طبقه نخست نیز همین ترکیب فضایی با اندکی تغییر برقرار است. بدین ترتیب که طارمی مُشرف به فضای مهتابی در زاویه شمالی به مجموعه اضافه شده است. فضای مهتابی زیبا و دلنشین خانه، برفراز جبهه شمالی قرار گرفته است. آرایه‌های آجری در نمای بنا، حوض زیبای آن، مردم واری خانه در تناسبات، از دیگر ویژگی‌های فضایی و معماری این بنا است. این خانه گویا در دوره قاجاریه و اوایل پهلوی متعلق به خاندان سادات کشفی و مرحوم آقا محمود از روحانیون مورد وثوق مردم خرم‌آباد بوده است

جدول ۶: عناصر معماری و تزئینات خانه سید محمود کشفی (منبع تصاویر: نگارندگان، ۱۴۰۳. محمدی اصل، ۱۳۹۷: ۱۳۱)

عناصر معماری	مشخصه‌ها	خانه سید محمود کشفی	عناصر معماری	مشخصه‌ها	خانه سید محمود کشفی
ورودی	* درب چوبی (در گذشته) * وجود هشتی ورودی چهار گوشه * تزئینات قوس تخت آجری در سقف ورودی * آزاره سنگی		لان	* سردر ورودی * هشتی چهار گوشه * اتاق پنج‌دري و سه دري * فضای مهتابی * آبریزگاه * انبار	
نمای درختی	* نمای اصلی به اتاق‌های پنج‌دري و سه دري در طبقات اول و دوم با پنجره‌های چوبی به صورت قوسی می‌باشند.	 	حیاط	* دارای حیاط مرکزی	 
سیلاب‌کش	* اندرونی * بیرونی		جزئیات اجرایی	* دیوارهای مستحکم * سازه ترکیبی (آسمانه) * طاقی در طبقه همکف و تیرپوش چوبی در طبقه نخست) * ساختمایه خشت و آجر	
تزئینات	* آرایه‌های متداول آجری * شیشه‌های رنگی * تزئینات چوبی * طاق تزئینی کلیل	  			



تصویر ۳: نمای جبهه اصلی
(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که رویه انجام پژوهش ذکر شد در این بخش به شناخت و تحلیل معماری مسکن سنتی خانه‌های اشاره شده در بالا می‌پردازیم. تحلیل‌ها در ۴ دسته عوامل زمینه‌گرایی: فرهنگی - اجتماعی، اقلیمی، تاریخی و کالبدی انجام شده است.

تأثیر فرهنگ لری در تعامل درون و بیرون

فرهنگ لری، در ارتباط وسیع با طبیعت است. افزون بر آن ارتباط تنگاتنگ زندگی، فرهنگ و اقتصاد بین شهر و روستا در این خطه، سبب شده میل به ارتباط عمیق با طبیعت، در بین فضاهاهی بسته، نیم باز و باز خانه‌های شهر نیز رؤیت شود.

معماری در خدمت همبستگی اجتماعی

در بسیاری از بافت‌های مسکونی شهری و روستایی خرم‌آباد حریم خانه‌ها چنان در هم تنیده و به هم پیوسته‌اند که تفکیک حریم بصری و قلمروپایی برای هر خانه قدری دشوار می‌نماید. در بافت تاریخی خرم‌آباد اکثر خانه‌ها در قالب

واحدهای همسایگی از درون به یکدیگر متصل بوده‌اند به نحوی که مراودات فرهنگی - اجتماعی و آمد و شد در میان همسایگان در قالب یک واحد همسایگی بزرگ صورت می‌گرفت. این ویژگی در معماری برگرفته از خصیصه «همبستگی اجتماعی» بالا در فرهنگ مردم لُر است.

پرهیز از تفاخر

با مروری به گذشته معماری در برخی از نقاط آشکار می‌شود که این هنر در مواردی از اهداف متعالی خود خارج و به مأمنی برای برخی خودستایی‌ها، فخرفروشی‌ها تفاخرات و به نشانه‌ای از وجود طبقات اجتماعی خاص تبدیل شده است. این مسئله در فرهنگ و در معماری لُری جایگاهی نداشته است. در خرم‌آباد نوعی یکرنگی و یکدلی در معماری خانه‌های تاریخی به چشم می‌خورد. در این سرزمین آرایه (تزئین) وسیله‌ای است برای بهبود کیفیات فضاها و مقیاس خُرد و کلان خانه‌ها، نشان و از نیازهای کارکردی باشندگان دارد. این خصیصه در مقیاس شهرسازی لرستان نیز جریان داشته و مصداق دارد.

چینش خاص درختان و حوض در حیاط

برگرفته از مرور متون و منابع، در گذشته آیین‌ها و مراسم خانوادگی همگی در خانه، به‌ویژه در حیاط به انجام می‌رسید. بدین منظور پوشش گیاهی دور حوض‌ها معمولاً به نحوی بوده است که در مراسم عروسی مطابق با رسم، رقصند و چرخند.

نیمه برونگرایی

در خانه‌های سستی خرم‌آباد با وجود رعایت عرصه‌های خصوصی و حریم‌های خانوادگی، در خانه‌ها و سایر بناها قاعده «نیمه برونگرایی» مشاهده می‌شود. کالبد معماری درونگرا یا برونگرا اگرچه در درجه اول به دلیل نیاز اقلیمی، درونگرا یا برونگرا شده است؛ اما می‌تواند به تدریج زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ رفتاری و تلافی و فضا‌های زیستی شود.

تأثیر اقلیم در جهت‌گیری و تنوع فضایی در خانه

اقلیم خاص خرم‌آباد، منجر به شکل‌گیری نوسانات دمایی و بارش با اختلاف زیاد در طول ماه‌های سال شده است. این موضوع به همراه وجود جریانات باد گرم و سرد روزانه و شبانه در فصول مختلف، سبب شده است تا کالبد خانه‌ها مهبای این شرایط شده و با جهت‌گیری مناسب، نورگیری بهینه را در فضای زیست به وجود آورد. در عین حال شیوه استقرار در بافت به نوعی است که همجواری بناها سبب مصرف بهینه انرژی گردد و در نهایت، تنوع فضایی موجود سبب گردیده که تابستان‌های خشک و زمستان‌های سرد همراه با یخبندان بیشتر زیست پذیر گردد.

وجود مرتبه بندی در عرصه‌های زندگی

در خانه‌های تاریخی خرم‌آباد فضا‌های قرار گرفته اطراف حیاط مرتبه‌بندی قابل تشخیصی دارند. در بین عرصه‌های اطراف حیاط، عرصه‌ای وجود دارد که از هر حیث مهمترین بخش خانه و متمایز از سایر بخش‌ها است. عمدتاً بر صدر حیاط جا دارد و بیشترین پیوند بصری و فضایی را با آن برقرار کرده است. فضای شاه‌نشین فراخ‌ترین و گشاده‌ترین و محوری‌ترین فضای یک خانه به‌شمار می‌آید. از این دست فضا می‌توان به خانه سید عبدالله کشفی اشاره کرد.

بهره‌گیری از هندسه متوازن

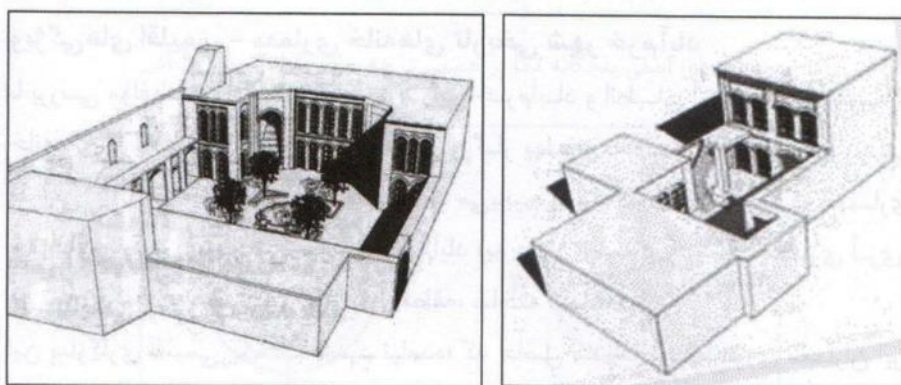
هندسه، جایگاهی فرازمانی و فرامکانی در تاریخ معماری دارد و بستری است برای شکل‌گیری فضا‌ها، بناها و شهرها. معماران توانمند گر از جمله معماران خرم‌آباد از هندسه به‌عنوان ابزاری برای تعریف و ارتقاء کیفیات مادی و معنوی فضا بهره گرفته‌اند؛ روح هندسی حاکم بر معماری گری بیشتر بر قاعده «توازن هندسی» است. ویژگی‌های ذکر شده به تقریب مبانی حاکم بر فرهنگ معماری در مناطق لر نشین باختر و جنوب ایران بوده و گام نخست در این عرصه و برداشتی مقدماتی از اصول، ظرایف و قواعد معماری در لرستان است.

جهت‌گیری خانه‌ها (رون) در بافت تاریخی

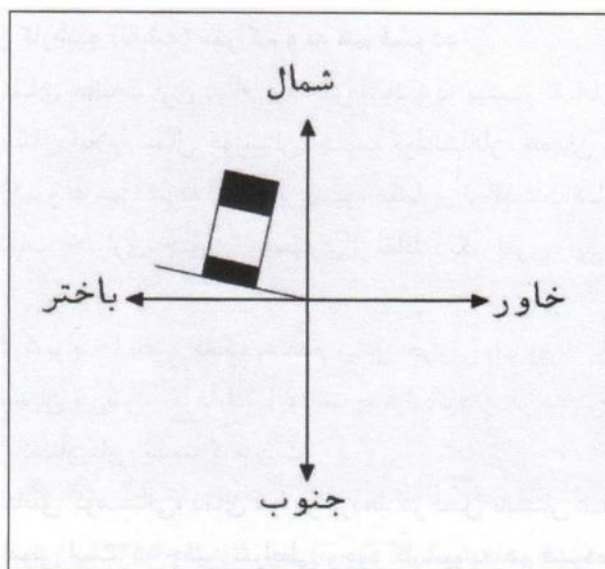
بیشتر خانه‌های موجود در بافت تاریخی خرم‌آباد دارای جهت و محور شمالی - جنوبی هستند. این جهت مطابق است با رون قبله و در این حالت محور اصلی خانه تقریباً رو به سمت قبله دارد. این جهت‌گیری مطلوب باعث می‌شود که جبهه اصلی

و جنوب باختری دارند با این همه خانه‌هایی با محوری مخالف با رون غالب - شهر رون راسته نیز وجود دارند (مانند خانه‌های منصوری فیروزی، چنگایی سید عبدالله کشفی و.... دلیل این امر را باید در محدودیت، زمین فشردگی خانه‌ها نوع خاص مالکیت و تقسیم‌بندی آن در بافت متراکم شهر و پاره‌ای دلایل دیگر جستجو شود.

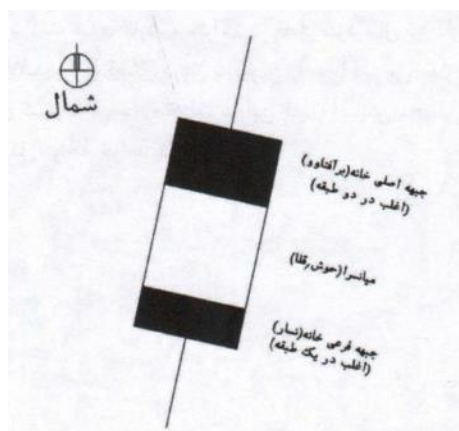
ساختمان در فصل سرد سال از نور و گرمای خورشید استفاده بیشتری کند. همچنین با توجه به اینکه وزش باد غالب (مطلوب) در فصل گرم سال از جبهه جنوب باختری است؛ این امر اثر مطلوبی بر کوران طبیعی هوا در جبهه اصلی بنا می‌گذارد با عنایت به همین نکته است که بیشتر بادگیرهای باقیمانده از خانه‌های خرم‌آبادی رو به سمت جنوب



تصویر ۴: جبهه‌بندی گونه غالب در خانه‌های تاریخی شهر خرم‌آباد
(منبع: محمدی اصل، ۱۳۹۷: ۱۵)



تصویر ۵: جهت‌گیری غالب خانه‌ها در بافت تاریخی شهر خرم‌آباد
(منبع: همانجا)



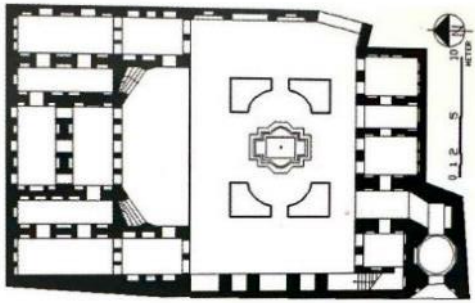
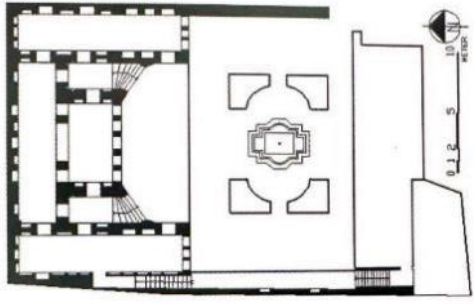
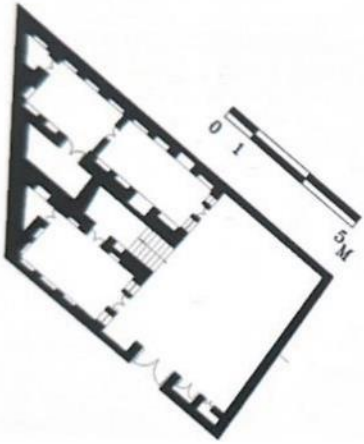
تصویر ۶: چپه‌بندی گونه غالب در خانه‌های تاریخی
شهر خرم‌آباد (منبع: همانجا)

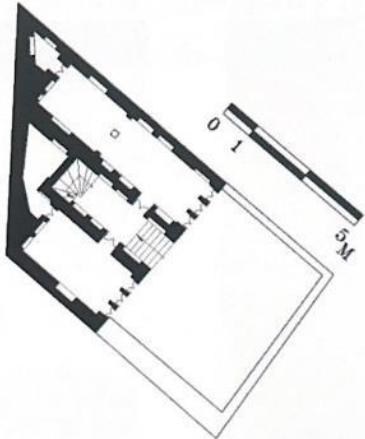
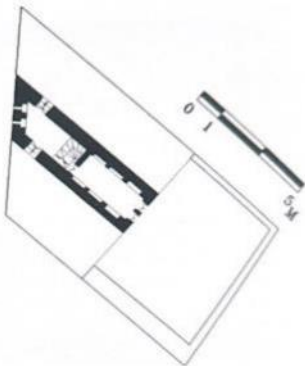
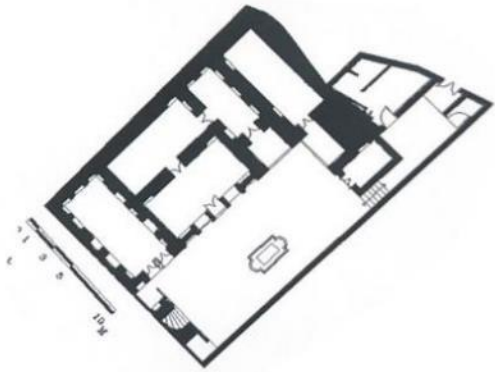
بهره‌گیری از ساخت‌مایه همساز با اقلیم

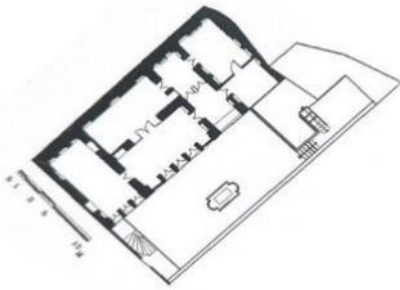
خرم‌آباد شهری است کوهستانی به همین دلیل کان‌های (معادن) پرشماری از سنگ مناسب ساختمان‌سازی در پیرامون شهر وجود داشته و دارد. با این همه از سنگ جز به صورت محدود در پی ساختمان و ... بهره‌گیری نشده است. ساخت‌مایه اصلی ساخت خانه در بافت قدیم، شهر عبارت از خشت و آجر بوده است. این دو ساخت‌مایه به فراوانی در کوره‌های خارج از شهر تولید می‌شده و در دسترس بوده است. خشت و آجر با دارا بودن مقاومت حرارتی بالا نقش ویژه‌ای در تأمین آسایش حرارتی فضاهای خانه در هر دو فصل سرد و گرم سال دارا بود این ساخت‌مایه گزینه مناسبی برای ساختمان‌سازی در خرم‌آباد بود، و در قیاس با سنگ دارای عملکرد اقلیمی بسیار بهتری است با این وجود از سنگ در پی‌سازی و کف فرش میانسرا ازاره سردر خانه‌ها ... استفاده می‌شد. این امر به دلیل نفوذ بسیار ناچیز رطوبت در سنگ مقاومت فشاری مناسب آن است.

بالاخانه، نمازخانه، حسینیه‌های خانگی

این سه عنصر فضایی در تعدادی از خانه‌های لری خرم‌آباد مشاهده می‌شوند و نسبت به سایر فضاها جنبه عمومی و همه‌گیر ندارند با این همه به لحاظ کیفی، عملکردی و دید و منظر دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود هستند عنصر فضایی بالاخانه در خانه‌هایی با طرح کارشیو راهرو در مرکز بنا و در تراز اشکوب سوم ساخته می‌شود. این اتاق دنج، کیفی و به نسبت، کوچک در بالاترین نقطه ساختمان و بر روی پشت بام راه پله احداث می‌شود. ویژگی بارز این فضا دید و چشم انداز بسیار مناسب به مناظر تاریخی مجموعه قلعه فلک‌افلاک و طبیعی پیرامون شهر است. نمونه کامل این فضا در خانه سید عبدالله کشفی ... وجود دارد و اما در گذشته در برخی از خانه‌های بزرگ اتاقی را به عنوان مُصَلّا و محل اقامه نماز در نظر می‌گرفتند. در اصطلاح به این فضا نمازخانه یا شاه نشین نیز گفته می‌شد.

پلان‌های عمارت قاضی (آخوند ابوطالب)		معیارهای معاصر سازی
کارشيو طبقه نخست		* ورودی شاخص و دعوت کنندگی * استفاده از زیرزمین * استفاده از مصالح بومی * فرم انعطاف‌پذیر * نقش تفکیکی فضا برای محرمیت * چینش خاص درختان و حوض در حیاط
کارشيو طبقه اول		* توالی فضاها در آسودگی * مهمان‌خانه به طور جداگانه * تمهیدات اقلیمی جهت استفاده فضاها در فصول سرما و گرما * جهت‌گیری مناسب * نگاه عملکردی و اقلیمی به فضاها
پلان‌های خانه سید عبدالله کشفی		معیارهای معاصر سازی
کارشيو طبقه همکف		* جهت‌گیری میانسرا با توجه به وجود نهر مشهور گرد آو از زیر فضای آن * نورگیری فضاها در دودی و سهدری از پلکان ورودی * جهت‌گیری شمالی-جنوبی جهت استفاده از نور و گرمای بیشتر در زمستان

کارشيو طبقه نخست		* باز شدن تمام پنجره‌های اتاق‌ها و مهمان‌نشین به حیاط به جهت نیمه برون‌گرا بودن خانه * عملکرد دوجبهی راه پله مرکز خانه، هم به جهت ارتباط طبقات و اتاق‌ها به یکدیگر و هم ایجاد نقش ایوان در خانه * به‌کارگیری چوب در نمای ساختمان با رویکرد سازه‌ای و آرایه‌ای
کارشيو طبقه دوم		* فضای مهمان‌خانه جهت تجمع خویشاوندان و همسایه‌ها در اوقاتی از هفته در جهت همبستگی اجتماعی * ارتباط مهمان‌خانه با فضای پشت بام جهت ارتباط وسیع با طبیعت و چشم‌انداز رودخانه شهر و قلعه فلک‌الافلاک * ارتباط واحدهای همسایگی از درون به یکدیگر به وسیله بام خانه‌ها
	پلان‌های خانه سید محمود کشفی	معیارهای معاصر سازی
کارشيو طبقه همکف		* استفاده از فضای فضای طارمی (ایوان) به‌عنوان فضایی نیمه‌باز جهت ارتباط فضای بیرون با فضای درون و اتصال دهنده اتاق‌های خانه به همدیگر * خصوصی‌تر شدن و محرمیت بیشتر ورودی با ایجاد هشتی «هشت» یا «چهار ضلعی» * سردرخانه با شکل، ابعاد، تناسبات و آرایه‌های عمدتاً آجری خود، شاخص‌ترین عنصر بیرونی خانه به‌شمار می‌آید. * ارتباط با طبیعت از طریق میانسرا و حوض

کار شیو طبقه نخست		* نقش عملکردی و اقلیمی طارمی (ایوان) * تمهیدات اقلیمی جهت استفاده فضاها در فصول سرما و گرما * استفاده از مصالح بومی
-------------------	---	--

جدول ۸: اثبات زمینه‌گرایی بومی و به کاربردی نمودن مؤلفه‌های معماری لرستان

مؤلفه‌های معماری بومی خرم‌آباد	عناصر زمینه در معماری خرم‌آباد	معاصر سازی مؤلفه‌های زمینه‌گرایی
ساختمان‌های نیمه برون‌گرا	زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی زمینه‌گرایی اقلیمی	* استفاده از فرم‌های نیمه برون‌گرا در عین امروزی بودن * پیروی از زمینه اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، کالبدی
بام مسطح	زمینه‌گرایی اقلیمی زمینه‌گرایی کالبدی	* هویت مکان و عنصر کم تراکم * الزامات محیطی و رعایت آن شاخصه محیط
مصالح مقاوم در برابر سرما	زمینه‌گرایی اقلیمی	* محیط و الزامات آن
بازشوهای کوچک بازشوهای رو به حیاط	زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی زمینه‌گرایی اقلیمی	* ارائه‌دهنده فرهنگ و دین * ارائه‌دهنده اقلیم سرد و پناه از سرما
بهره‌گیری از طارمی (ایوان) و مهتابی	زمینه‌گرایی اقلیمی زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی	* وجه به نیاز انسان به ارتباط بصری با بیرون از فضای زندگی * ارائه‌دهنده فضایی برای کوران هوا به صورت نیمه باز و گسترده در دورتا دور خانه
میانسرای خانه (حیاط)	زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی زمینه‌گرایی اقلیمی	* نیاز به فضایی جهت روابط و تعاملات اجتماعی * وجه ارتباط‌دهنده فضاها و هواکش مصنوعی برای گذر جریان بادهای مناسب * نیاز به وجود حریمی امن و آرام برای آسایش اعضای خانواده‌ها
جهت‌گیری خانه‌ها	زمینه‌گرایی فرهنگی - اجتماعی زمینه‌گرایی کالبدی زمینه‌گرایی تاریخی	* جذب حداکثری نور و گرمای خورشید در فصل زمستان * کوران طبیعی هوا در جبهه‌های جنوبی ساختمان * جهت‌گیری میانسرا با توجه به وجود نهر مشهور گرد آو از زیر فضای آن و اشراف و ارتباط با شهر

با توجه به برر سی‌های انجام شده می‌توان مؤلفه‌های معماری بومی شهر خرم‌آباد را به یک سری مؤلفه‌های زمینه‌ساز این معماری دسته‌بندی نمود و این عوامل را با ترکیب معماری معاصر احیا نمود (جدول ۷ و ۸).

ارائه راهکارهایی برای بهبود معماری شهر خرم‌آباد

در این فصل با توجه به مرور متون و منابع تحقیق، یافته‌ها و برر سی‌های انجام شده و تجزیه و تحلیل فصل دوم، می‌توان در طراحی معماری مسکونی، از عوامل زیر بهره گرفت تا مسکنی زمینه‌گرا در قالب عوامل فرهنگی - اجتماعی، اقلیمی و تاریخی و کالبدی را ارائه دهیم.

- بهتر از بناها به صورت فشرده و منفرد در کنار یکدیگر قرار گیرند؛

- توجه به فرهنگ شهروند خرم‌آبادی در تزیینات به دور از برداشت‌های سطحی. توجه به عناصر مذهب، هویت و اصالت؛

- ایجاد فضای سبز در این بناها جهت کاهش سروصدای مزاحم، جهت ایجاد منظر زیبا و چشم‌انداز طبیعی و دلپذیر؛

- ایجاد محیطی مطلوب برای بازی کودکان؛

- پنجره‌های رو به خیابان از تراز دید بالاتر باشد؛

- جهت بناها شرقی-غربی بری بهره گیری از نور خورشید؛

- پارکینگ‌ها را در سمت غربی بنا قرار داده؛

- استفاده از مزایای گرمای زمین با استفاده از زمین پناهی.

با توجه به نوع معیشت مردم منطقه خرم‌آباد، می‌توان چنین گفت آنها مردمانی هم برون‌گرا و هم درون‌گرا هستند که به اصالت اهمیت بسیاری می‌دهند. در واقع

نوع فرهنگ و زندگی انسان‌ها بر گونه‌های فضاهای مسکونی بیشترین تأثیر را خواهد گذاشت. «بنابراین هر یک از گونه خانه‌های مسکونی، دارای سه وجه بوده است. وجه نخست اسکلت ساختمان، دوم نمای خارجی و سوم تزیینات داخلی که این سه وجه، در هر گروه ساختمانی، ویژگی‌های خاص خود را داشت که متناسب با موقعیت اجتماعی، اقلیمی، سیاسی و فرهنگی آن‌ها بوده است. با توجه به اصول به دست آمده در این بخش به جهت احیا ویژگی‌های که در این منطقه وجود دارد می‌توان اصول زیر را در برگرفت:

۱. طراحی مسکن بر اساس اصول بومی و معماری

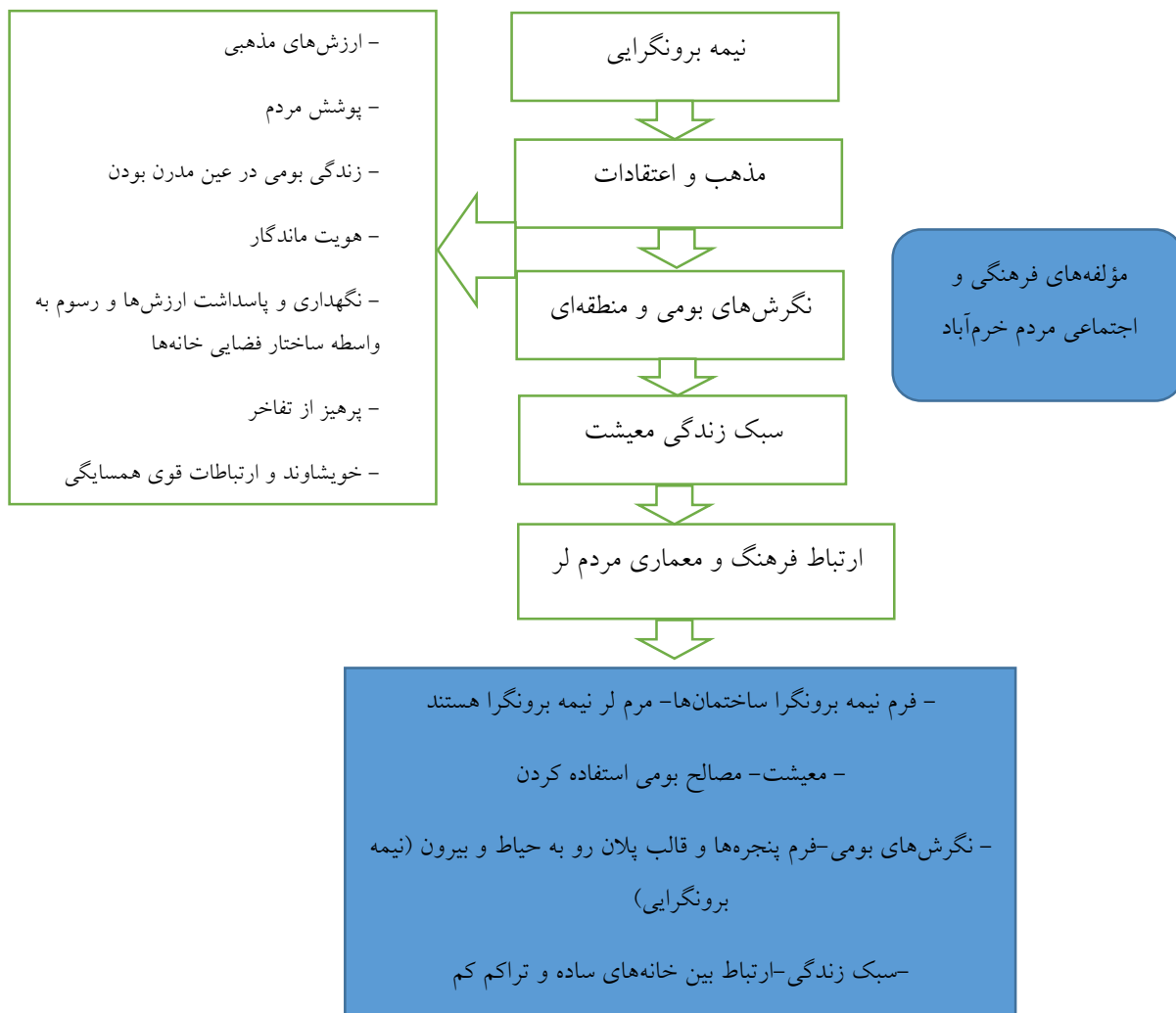
زمینه (عوامل درون سایت و بیرون سایت)؛

۲. ارائه مکان‌های شاخص توسط معماران با توجه به عوامل زمینه؛

۳. مسکن در بعد زمان و توجه به فرهنگ و آداب و رسوم زمینه؛

۴. اصول خانه‌سازی بر مبنای تمهیدات اقلیمی و راهکارهای تجدد فضاهای معماری گذشته؛

بر اساس مطالعات انجام شده اثر فرهنگ و اجتماع بر معماری در شهر خرم‌آباد نسبت به سایر عوامل زمینه‌گرا بسیار زیاد است، به‌طوری که این فرهنگ مردم هر کالبد است که به معماری شکل و فرم خاص و بومی می‌دهد. بر این اساس و دریافت‌های ارائه شده به نمودار ۴ خواهیم رسید:



نمودار ۲: ارتباط بین معماری مردمان خرم‌آباد با توجه به مؤلفه‌های فرهنگ گرا، منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

اگر زمینه را مشتمل بر داشته‌های فرهنگی یک منطقه نیز بدانیم، می‌توانیم به اشتراکاتی در تعریف بوم و زمینه برسیم، روابط فرهنگی و اجتماعی و سیستم اقتصادی شهر تا حدود زیادی می‌تواند در تعریف زمینه مؤثر باشد. به‌عنوان مثال در فرهنگ‌هایی که ارتفاع سقف را برای حس حضور و آرامش بلند می‌گیرند تفاوت بسیار زیادی با فرهنگ‌هایی که برای همان حس و احترام و آرامش ارتفاع کوتاه فضا

مناسب‌تر و قابل قبول‌تر است، وجود دارد. تفاوت کالبدی این دو گونه بنا، خود تعریف‌کننده بخشی از زمینه است. گذشته از این عناصر باید به زمینه به‌عنوان نوعی از تاریخ نیز نگاه کرد. زمینه را نه به‌عنوان عاملی ایستا در زمان بلکه باید به‌عنوان عاملی پویا و متغیر و سیال در نظر گرفت؛ به نوعی زمینه معماری زمینه‌گرا خود متغیر و متحرک است. نتایج حاصله تحقیق نشان‌دهنده آن است خانه‌های تاریخی خرم‌آباد در تطبیق با عوامل زمینه‌گرا از جمله

عوامل فرهنگی- اجتماعی، تاریخی، کالبدی و اقلیمی هستند. باغ‌های اطراف شهر، جهت و عوارض زمین، عامل تعیین‌کننده در استقرار خانه‌ها در شهر خرم‌آباد هستند. همچنین عبور رودخانه از مرکز شهر و محاصره شهر میان دو کوه در بهبود بخشیدن فضای زیستی نقش به‌سزایی داشته است. ارتباط درون خانه با طبیعت از طریق حیاط در تطبیق نسبی با اقلیم و تعامل با طبیعت بوده است و از آن برای سازماندهی بین اجزا بنا بهره گرفته‌اند و در نهایت، نگاه غیر را به اندرون خانه راه نداشته و محرمیت تا جایی ممکن برقرار شده است که این موضوع با عوامل زمینه‌ای فرهنگی و اجتماعی در تناسب و اشتراک کامل است. یکی از آداب اجتماعی در شهر، تجمع خویشاوندان و همسایگان در ایامی از هفته در فضاهای طارمی (ایوان) یا مهتابی (فضایی شبیه ایوان اما بدون سقف در پشت بام خانه یا در حیاط خانه) جهت ارتباط وسیع با طبیعت و چشم‌انداز رودخانه مرکز شهر و ارتباطات همسایگی هستند که نمونه آن را در خانه‌های آخوند ابوطالب و خانه سید محمود کشفی شاهد هستیم. اتاق مهمان در خانه‌های مورد بررسی شده تحقیق، پیوندی بالایی با سایر عرصه‌ها دارند. به‌طوری که اولین اتاق بعد از ورود به خانه، یا اتاقی در بالاخانه و یا حتی گاهی بخشی از اتاق خصوصی را به جایگاه مهمان اختصاص می‌دادند؛ سلسله مراتب دسترسی در خانه‌های قدیمی ایران به ترتیب عرصه عمومی (کوچه)، نیمه عمومی (حوزه ورودی) و خصوصی (حیاط) می‌باشد، در کارشيو خانه‌های بررسی شده، این سه ویژگی به دلیل نیمه‌گرا بودن معماری لرستان

خصوصاً شهر خرم‌آباد بسیار کم وجود دارد. نتایج تحقیق نشانگر آن است در خانه‌های سنتی شهر خرم‌آباد بین میزان استفاده از فضای سکونتی و تنوع‌پذیری فضاها رابطه مستقیم وجود دارد. نیمه برونگرایی چه در قالب کالبدی همانند ورودی خانه آخوند ابوطالب که مستقیم به داخل عرصه عمومی ارتباط دارد، یا پلان نیمه‌باز (نیمه محصور) خانه‌های آخوند ابوطالب، سید عبدالله کشفی و سید محمود کشفی و چه در کارهای خارج از منزل از جمله اموراتی مانند: دامپروری، شکار، اسب سواری، چوپانی، جنگ‌ها و بازار که زن‌های لر پای به پای مردان نقش داشته‌اند، عنصر لاینفک زمینه معماری سنتی شهر خرم‌آباد است. در نهایت بررسی مؤلفه‌های زمینه‌گرای خانه‌های سنتی شهر خرم‌آباد، عامل مشترک مؤلفه‌های زمینه‌گرایی، عامل فرهنگی و اجتماعی است که با تمامی عوامل دیگر که در تحقیق به آنها اشاره شده اشتراک و تناسب دارد. ویژگی‌های چون فضایی جهت ارتباط و تعاملات اجتماعی همچون مهتابی (سکو)، برگزاری آیین‌ها و مراسمات فرهنگی و شادی و عزا در حیاط خانه، نیاز به وجود حریمی امن و آرام برای آسایش اعضای خانواده‌ها همچون فضای سه دری، فضای هشتی، ایوان و راهرو، بازشدن پنجره به سمت حیاط و قالب پلان ساختمان که در خانه‌های تحقیق شاهد آن بودیم و همچنین ایجاد همبستگی و تعاملات اجتماعی از طریق ارتباط واحدهای همسایگی از درون به یکدیگر به وسیله بام خانه‌ها، پرهیز از تفاخر از طریق یکرنگی و یکدلی در معماری خانه‌های تاریخی خصوصاً آرایه‌های تزئینی که در نمای

ساختمان‌ها به چشم می‌خورد، وجود مهمان‌خانه که مناسب شب‌نشینی خویشاوندان یا محافل قومی و مذهبی است؛ به‌ویژه که در فرهنگ مردم لر پذیرایی میهمان (چه آشنا و چه غریبه) جایگاه والا و ستونی دارد که در خانه آخوند ابو قاضی نمونه آن قابل مشاهده است، همگی از عوامل مشترک مؤلفه‌های زمینه‌گرایی فرهنگی و اجتماعی با دیگر مؤلفه‌های بیان شده در تحقیق است. در واقع مهمترین خصوصیت بارز ساختارهای کالبدی قاجار و پهلوی در شهر خرم‌آباد عوامل فرهنگی و اجتماعی است. بنابراین دستیابی به این مؤلفه‌ها برای طراحی خانه‌های با اصول معماری ایرانی اما در بطن مدرن و نیازهای انسان معاصر و آینده ضروری است. در

نتیجه می‌توان با دریافت‌های کالبدی و زمینه‌گرا در معماری و دیگر شاخص‌های فرهنگی-اجتماعی، اقلیمی و تاریخی این شهر به مؤلفه‌های یکسان در طراحی مسکن برای هر بعد مکانی و زمانی دست یافت، این راهکارها بر اساس فاکتورهای جدید به این گونه است (جدول ۹):

- فرم، مردم لر هم درون‌گرا و هم برون‌گرا هستند.
- معیشت، مصالح بومی استفاده نمودن؛
- سبک زندگی، ارتباط بین خانه‌های ساده و تراکم کم
- بدنه‌های همخوان با بناهای مجاور
- فرهنگ، انجام مراسم و آیین‌ها در خانه
- نگرش‌های بومی، فرم و تراز پنجره‌ها و قالب پلان

جدول ۹. اثبات زمینه‌گرایی بومی و به کاربردی نمودن مؤلفه‌های معماری خرم‌آباد در طراحی خانه‌های معاصر

یافته‌ها	ویژگی‌های دریافتی از معماری خرم‌آباد
طبقات	پیش‌بینی ساختمان‌ها در ۱ یا ۲ طبقه
جهت فرم و پلان	۱. استفاده از پلان متراکم و فشرده ۲. گسترش و کشیدگی پلان در جهت شرقی-غربی ۳. ارتباط درون فضاها با طبیعت ۴. توجه به موضع تماشا و خواست ادراکی ساکنان به گستره دید به قلعه فلک‌الافلاک و رودخانه مرکزی شهر ۵. ایجاد و توسعه فضاهای نیمه‌باز مشترک در طبقات مجموعه مسکونی مانند بالکن‌های اجتماعی ۶. تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد و تناسبات ۷. فضاهای مختص به برگزاری مراسمات مذهبی و شادی و غم ۸. به جهت حفظ حریمیت پنجره‌های روبه‌روی هم باید از تراز دید بالاتر بوده و بازوها روبه‌روی هم نباشند. ۹. پنجره‌های رو به خیابان باید از تراز دید بالاتر باشد. ۱۰. تفکیک حوزه‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی (طراحی آشپزخانه و اتاق‌ها دور از چشم میهمان. پیروی از نظم درونی در چیش و سازش اتاق‌ها).

بام	۱. انتخاب بام‌های مسطح جهت نگهداری برف به‌عنوان عایق حرارتی ۲. رویت‌پذیری نمای پنجم (بام) به دلیل بسترخاص شهر
نما	۱. توجه به هندسه در ساماندهی نما ۲. تعریف بدنه‌ها و هویت جداره‌ها با تاکید بر عدم تفاخر و افراط در تزئینات ۳. وجود بستر مناسب معماری، مکانی، فرهنگی برای شکل‌گیری تزئینات اهمیت زیادی دارد. ۴. توجه به مصالح، فرم و رنگ مرتبط با اقلیم سرد و معتدل شهر خرم‌آباد ۵. تلفیق و ترکیب آرایه‌های سنگی و آجری و کتیبه‌های سنگی و همچنین گره چینی‌های آجری در نما
جهت باد	۱. احداث ساختمان در زمین در دامنه‌های پشت به باد ۲. ایجاد فضاهای بدون مانع مابین ساختمان‌ها برای هدایت باد
تهویه طبیعی	۱. استقرار ساختمان در جهت تابش حداکثر انرژی خورشید در مواقع سرد ۲. مصالح با ظرفیت حرارتی بالا ۳. استفاده از عناصر فضایی همچون حیاط‌ها، تراس‌ها و حوض و فواره‌ها در میان آنها ۴. کاشت درختان در جای مناسب
نورگیرها	۱. استفاده از نورگیرهای سقفی و پنجره‌های عمودی در نماهای جنوبی
سایه‌بان	۱. توسعه فضاهای مناسب برای نشستن با تمرکز بر فراهم بودن سایه مناسب و یا امکان آفتاب‌گیری برای سالمندان

کتابنامه

- استروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۸). *شهرسازی معاصر: از نخستین سرچشمه تا منشور آتن*، ترجمه لادن اعتضادی، مرکز نشر دانشگاهی.
- اسمیت، جری (۱۳۹۸). *دگردیسی فضای خانگی*، نمونه‌هایی از دو سده اخیر، ترجمه زهرا غزنویان و همکاران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- برایسون، بیل (۱۴۰۰). *تاریخچه خصوصی خانه*، ترجمه علی ایثاری کسمایی، تهران: نشر آمو.
- برولین، برنت سی (۱۳۸۳). *معماری زمینه‌گرا*؛ ترجمه: راضیه رضا زاده، نشر خاک، تهران.
- آقالطیفی، آزاده و وحید کلیایی (۱۳۹۷). «خانه‌های تاریخی بروجرد، خانش کالبد از دریچه فرهنگ سکونت»، فصلنامه *صفه*، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۰.
- ابل، کریس (۱۳۷۸). *معماری و هویت*، ترجمه دکتر فرح حبیب، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- احمدی، زهرا (۱۳۸۸). *زمینه‌گرایی و معماری پایدار*، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری پایدار.

کریمی، مهشید؛ عیسی حجت و بهروز شهبازی چگنی (۱۳۹۷). «جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن»، *باغ نظر*، ۱۵ (۶۱)، ص ۱۴.

گودرزی سروش، محمدی مهدی، گودرزی سروش، خلیل (۱۳۹۲)، «بازشناسی مفهوم هویت در فضای شهری (نمونه موردی: خیابان بوعلی همدان)»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، تهران.

محمدی اصل، محمد (۱۳۹۷). *خانه‌های تاریخی خرم‌آباد* (سبک معماری لری)، خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست.

محمدی اصل، محمد (۱۳۹۷)، *باغشهر تاریخی خرم‌آباد*، خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست.

محمدزاد، سودابه، سلطان‌زاده، حسین، دباغ، امیر مسعود (۱۴۰۲). «تبیین نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری پلان خانه‌های قاجاری (نمونه موردی: خانه‌های قاجاری خرم‌آباد)»، *نشریه مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۵۰ (۲۰)، ص ۶۸۹.

مرزبان، پرویز؛ معروف، حبیب (۱۳۸۹)، *فرهنگ مصور هنرهای تجسمی*، تهران: انتشارات سروش.

نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۹). *مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی*، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، چ چهارم، تهران: نشر آگه.

نیلفروشان، محمدرضا (۱۳۸۶)، *معماری ایرانی از آغاز تا دوره قاجاریه*، چاپ اول، اصفهان: انتشارات مولف.

بهمنی، المیرا و محمدمهدی گودرزی سروش و محمد ابراهیمی زارعی‌ها (۱۳۹۵). «بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت کهن سنندج»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، شماره ۲۶، ص ۵۶.

ترنر، تام (۱۳۸۴). شهر همچون چشم انداز، نگرشی فراتر از نوگرایی (پست - پست‌مدرنیسم)، در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

تولایی، نوین (۱۳۸۰)، «زمینه‌گرایی در شهرسازی»، *مجله هنرهای زیبا*، شماره ۱۰، صص ۳۴-۴۳.

حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر*، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری خودگو، سعادت (۱۳۸۷). *لرستان در دوره مشروطیت*، خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست.

دامیار، سجاد (۱۳۹۳). *فضاهای آموز رابطه پژوهش و طراحی در دوره کارشناسی ارشد: کارگاه واکاوی عوامل هویت بخش معماری بومی*، ص ۸، پنجمین همایش آموزش معماری (کیفیت در آموزش معماری، آسیب‌ها و چشم‌اندازها)، تهران: دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن*، ترجمه: خسرو افضلیان، مشهد: آستان قدس رضوی.

راولینسون، سرهنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

فاضلی، نعمت‌الله، (۱۳۸۷)، *مدرن یا امروز شدن فرهنگ ایران*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Cieraad, Irene (2006), *At Home: An Anthropology of Domestic Space*.
Coolen, H. (2005), *The meaning of dwelling from an ecological perspective*. In: OTB International Conference.
Doing, thinking, feeling home: the mental geography.
Moore, J (2000), *Placing home in context*. *Journal of Environmental Psychology*, no.20 (summer), p. 207-217.

